



محسن حکیمی

جنبش کارگری کردستان و نمایش بُن بست ناگزیر سرمایه داری

(منتشر شده در نشریه شهروند، دوم سپتامبر ۲۰۰۵)

کارگران کردستان با همان مصائب عمومی درگیرند که تمام کارگران ایران را بیرحمانه و با سببیت تمام به بند خود کشیده است، مصائبی چون اخراج و بیکاری، دستمزدهای ناچیز و اغلب به تعویق افتاده، قراردادهای موقت و حتی سفید، فقر مطلق، گرسنگی، بی مسکنی، بیماری و بی دارویی و... اما هم به دلیل بی حقوقی وحشیانه تر و عریان تر وهم به علت موجودیت فضای سیاسی رادیکال و چپ در کردستان، مضمون مبارزه ضد سرمایه داری کارگران کردستان از محتوای مبارزه کارگران سایر نقاط ایران آشکارتر، آگاهانه تر، بی پروا تر و رادیکال تر است.

وضع جنبش کارگری کردستان را می توان از دریچه مبارزه جاری و کنونی کارگران یکی از کارخانه های این استان، یعنی کارخانه ریسندگی و بافندگی شاهو، توضیح داد. این کارخانه از جمله کارخانه های نساجی "ورشکسته" است که ۱۴۰ نفر کارگر خود را بیکار کرده و به خیابان ریخته است. مبارزه این کارگران برای بازگشت به کار در این روزها همچنان ادامه دارد. ۲۸ نفر از کارگران این کارخانه قبلاً توسط کارفرما اخراج شده بودند. با اعتراض این کارگران اخراجی، هیئت تشخیص اداره کار استان کردستان در تاریخ ۸۴/۳/۷ رأی بازگشت به کار این کارگران را صادر کرد. اما کارفرما به این رأی اعتراض کرد و، به همین دلیل، مسئله به هیئت حل اختلاف این اداره ارجاع شد. در تاریخ ۸۴/۵/۸، که قرار بود هیئت حل اختلاف رأی خود را صادر کند، کارگران اخراجی - همراه کارگرانی از سایر کارخانه های شهر سنندج و هم چنین تنی چند از فعالان کارگری شهر سقز - در مقابل اداره کار استان کردستان متحصن شدند و اعلام کردند تا رأی ابقای کار آنان صادر نشود، به تحصن خود پایان نخواهند داد. پس از گذشت چند ساعت از تحصن، رأی ابقای کار کارگران اخراجی در جمع کارگران متحصن خوانده شد و کارگران نیز با پیروزی به تحصن خود خاتمه دادند.

از جمله شعارهایی که در این تحصن مطرح شد و پلاکاردهای آن در دست کارگران، همسران و فرزندان آنان دیده می شد، شعار "یا مرگ یا رأی ابقای کار" بود. این شعار هم چون آینه ای وضع جنبش کارگری کردستان را به روشنی نشان می دهد. خواست بازگشت به کار البته خواست عادی هر کارگر بیکار شده در هر جای ایران و جهان است. مطالبه کار مزدی نیز - برخلاف آن چه مخالفان لغو کار مزدی می گویند - یک خواست ضد سرمایه داری است و نفس لغو کار مزدی را،

که اساس نظام سرمایه داری است، هدف قرار می دهد. چرا که کارگر بیکار با این خواست در واقع به نظام سرمایه داری اعلام می کند: یا برای من کار تأمین کن، یا اگر نمی توانی گورت را گم کن و برو! از آن جا که بیکای جزء جدایی ناپذیر نظام سرمایه داری است و این نظام نه تنها قادر به تأمین کار برای تمام کارگران نیست بلکه گروه گروه از آنان را بیکار و از هستی ساقط می کند، تنها شقی که برای سرمایه داری باقی می ماند این است که گورش را گم کند و برود. و اگر نمی رود و همچنان با قدرت کارگران را بیکار و اعتراض آنان را سرکوب می کند، این دیگر به ضعف کارگران و فقدان تشکل ضد سرمایه داری و سراسری طبقه کارگر برای کسب قدرت و برچیدن بساط نظام سرمایه داری مربوط می شود.

اما آن چه به مطالبه کار توسط کارگران بیکار کردستان ویژگی می بخشد توأم کردن این مطالبه با آمادگی برای مرگ است. شعار "یا مرگ یا کار" نشان می دهد که، از یک سو، بی حقوقی مطلق و زیستن مدام در زیر دندان مرگ چنان است که این کارگران مرگ را به بیکاری ترجیح می دهند (همان گونه که کارگران معدن مس خاتون آباد در سال ۱۳۸۲ ترجیح دادند) و، از سوی دیگر، با اعلام آمادگی خود برای پذیرش مرگ، آشکارا و دلاورانه به کل نظام سرمایه داری اعلام جنگ می دهند. کارگر بیکار کردستان با این شعار آشکارا هم بن بست نظام سرمایه داری و هم راه برون رفت از آن را نشان می دهد. هنگامی که کارگر بیکار گرد اعلام می کند: یا مرگ یا کار! در واقع نظام سرمایه داری را قاطعانه در برابر یک انتخاب ناممکن قرار می دهد، نوعی ناممکنی بی چون و چرا که در آن سرمایه داری نه می تواند همه کارگران بیکار را بکشد، و نه قادر است برای همه آنان کار ایجاد کند. این ناممکنی انتخاب، از یک سو، هیچ معنایی جز لزوم برون رفت از این بن بست ندارد و، از سوی دیگر، ضرورت برپایی نظامی انسانی را نشان می دهد که در آن زندگی انسان در گرو کار مزدی و اجباری نیست و کار به امری داوطلبانه تبدیل می شود. مضمون آشکارا رادیکال و سوسیالیستی جنبش کارگری کردستان، که از جمله در شعار "یا مرگ یا کار" متجلی است، در همین نمایش بن بست اجتناب ناپذیر سرمایه داری و ضرورت فرار رفتن از این نظام انسان ستیز نهفته است.

یک پژوهشگر مسایل زنان

سرمایه داری، زنان را به عنوان نیروی اصلی "ارتش ذخیره کار" محسوب کرده است

سوء استفاده از نیروی کار زنان در بازار سایه ای و زیر زمینی، اشکال جدی استثمار زنان است. "مریم خراسانی" در گفتگوی اختصاصی با خبرنگار گروه فرهنگ و اندیشه ایلنا، در خصوص جایگاه و نقش زنان در جنبش‌های کارگری گفت: به نظر می‌رسد در اوضاع اقتصادی و سیاسی کنونی ایران و جهان و با توجه به انباشت اندیشه‌ها و تجارب سلبی و ایجابی در برابر سرمایه داری جهانی، بیش از هر زمان دیگری موقعیت‌های مناسبی به دست آمده تا کارگران انواع دیگری از کار و تولید آزاد را در خارج از چهارچوب قوانین سرمایه‌داری به وجود آورند.

این پژوهشگر مسایل زنان، در ادامه تصریح کرد: تجربه جنبش تعاونی‌های آزاد و تولید مشارکتی در جهان و تجربه کارگران ایران در سال‌های ۵۸ و ۵۹، نشان می‌دهد که کارگران هم امکان کنترل و اداره تولید را در واحدهای تولیدی بحران زده و ورشکسته دولتی و خصوصی دارند و هم خلق راه و کارهایی برای تولید بدیل، خرید یا مصادره کارخانه‌ها و بنگاه‌های ورشکسته و اداره تمام مراحل تولید مواد اولیه تا تولید اصلی و فروش محصولات به کمک آگاهی‌ها و تجارب نوین محلی، منطقه‌ای و جهانی در شبکه‌های ارتباطی و تولیدی متفاوت دارا هستند. آنها در جهت ساختن روندهای نوین اقتصاد و زندگی بدیل که گام به گام طراحی می‌شود، نقش می‌پذیرند و دگرگون می‌شوند و از این طریق، شعار جنبش مخالفان جهانی سازی در جهت ممکن ساختن جهانی دیگر متحقق می‌شود. در این میان موقعیت زنان کارگر که در انواع کار تولیدی، خدماتی، رایانه‌ای، مراقبتی و غیره نقش دارند، در جنبش‌های احیای زندگی و تولید و کار جایگزین و روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد.

خراسانی در خصوص سوالاتی مبنی بر وضعیت زنان در طبقه کارگر ایران اظهار داشت: زنان کارگر در ایران گرفتار عرصه‌های مختلفی هستند که شامل اجتماع بزرگ، جامعه کارگری و خانه و خانواده می‌شود، عرصه‌هایی که در آن سرمایه‌داری و مردم سالاری مدرن دو روی سکه‌اند.

وی درباره موقعیت زنان در اجتماع بزرگ گفت: وجود سلسله مراتب شغلی و تقسیم جنسی کار، فرهنگ اجتماعی دو جنسی و ارزش‌ها و معیارهای دو گانه در بازار کار اولیه و ثانویه، ادامه فرودستی زنان در کل جامعه است. جهانی سازی و خصوصی سازی و محدود شدن عملکرد رفاهی دولت‌ها از جمله دولت ایران، کاهش یارانه‌ها برای کار زنان را ایجاد کرده که منجر به حذف هزینه‌های رفاهی زنان از جمله هزینه مهدکودک‌ها و انواع مرخصی‌ها و امکانات لازم برای کار زنان است. بدتر از آن قراردادهای موقت کار و کار پاره وقت و کار سرمایه داری در خانه، اشکال جدیدی از سرمایه‌داری است که منجر به فوق استثمار نیروی کار زنان در مشرق زمین شده است. انتقال بسیاری از موسسات تولیدی از غرب به شرق و سوء استفاده از نیروی کار ارزان زنان در مشرق زمین همانند استثمار شدید نیروی کار زنان مهاجر رنگین پوست در غرب، مساله استثمار زنان را در کنار استثمار شرق و طبیعت قرار می‌دهد و منبع سودهای کلان را برای سرمایه‌داری فراهم می‌سازد.

خراسانی افزود: جهانی سازی سرمایه‌داری و پدیده زنانه شدن فقر، به اشکال برده‌داری مدرن و استثمار و استثمار زنان و کودکان انجامیده است و اینها همه علاوه بر مسائل اخلاقی برای زنان در محیط‌های کار و آزارهای جنسی و سوء استفاده‌های جنسی از آنان است. سرمایه داری همواره زنان را به عنوان نیروی اصلی ارتش ذخیره کار هم محسوب کرده است. در دوران رونق، اولویت برای استخدام مردان، زنان را از بازار کار اصلی اخراج می‌کند و در دوران رکود کارهای موقت و پاره وقت در کارگاه‌های زیر زمینی و غیر قانونی برای زنان و کودکان آنها، نا امنی شغلی و کار در مشاغل سیاه و سخت، محیط غیر انسانی را به وجود آورده است. سوء استفاده از نیروی کار زنان در بازار سایه‌ای و زیر زمینی، اشکال جدی استثمار زنان است.

خراسانی در ادامه در خصوص جایگاه زنان در جامعه کارگری گفت: سلسله مراتب جنسی درون جامعه کارگری و اقتدار مردان کارگر در محیط‌های کار و تشکلهای کارگری سبب می‌شود، مشاغل اصلی و تخصصی و مستند در بالای هرم شغلی خاص مردان و حضور زنان در پایین این سلسله، مراتب کارهای غیر تخصصی و کم در آمدتر را به زنان تحمیل کند. در شوراها و سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری نیز موقعیت‌های کلیدی در دست مردان است و زنان نقش موثری ندارند، به طوریکه در میان زنان کارگر ایران و جهان بحث ایجاد تشکلهای خاص زنان کارگر در محیط‌های کار مطرح شده است که سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنان به نفع زنان و توسط خود آنان انجام شود.

وی افزود: تعریف سرمایه داری از نیروی کار که صرفاً اقتصاد کالایی و مبادله‌ای را مد نظر دارد، سبب می‌شود نیروی کار زنان در اقتصاد معیشتی (کشاورزی سنتی) و کارخانه داری زنان جزو کار محسوب نشوند و جامعه برای آن ارزشی در نظر نگیرد. خراسانی درباره جایگاه زنان کارگر در خانه و خانواده تصریح کرد: خانواده هسته‌ای و تشدید استثمار زنان در این نوع خانواده مدرن و موقعیت زنان کارگر مشابه زنان دیگر و گاه بدتر از زنان طبقات بالاتر، شیفت دوم کار زنان کارگر در خانه‌ها که سبب فرسایش جسمی و روحی زودتر از موعد آنها می‌شود، خشونت بیشتر علیه زنان کارگر در خانواده‌های کارگری به شکل فیزیکی و غیر فیزیکی و تحقیر روانی، مساله اصلاح در خانواده‌های کارگری و بدیل‌های دیگر را برای زندگی شخص زنان کارگر مطرح کرده است. وی در پایان خاطر نشان کرد: در خصوص کار زنان بد نیست به تجربه شیوه‌های آزاد کار و تولید و زندگی شخصی متأثر از اندیشه‌های "سن سیمون" و "فوریه" در قرن ۱۹ میلادی و ادامه آن تا کنون، توجه داشته باشیم. عدم وجود ساختار مالکیت و کار رقابتی و عدم وجود ساختار هرمی شکل خانواده و انواع جدیدی از نگهداری بچه‌ها را در این تجربه‌ها می‌توان یافت.

در اعتراض به تبعیض و بی عدالتی ۷۰۰ کارگر لاستیک "بارز" کرمان، اعتصاب غذا کردند

۷۰۰ کارگر لاستیک "بارز کرمان"، در اعتراض به بی عدالتی‌ها و تبعیض در این واحد، از ظهر روز شنبه دست به اعتصاب غذا زده و هشدار دادند که چنانچه خواسته‌هایشان تامین نشود، این اعتصاب ادامه خواهد داشت. به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا، توزیع ناعادلانه امکانات و مزایا، تبعیض در پرداخت‌ها و بی توجهی مدیریت به مشکلات و خواسته‌های کارگران، از جمله مهمترین مواردی است که کارگران معترض به آنها اشاره می‌کنند. یکی از کارگران، با اشاره به شرایط دشوارکاری در این واحد، گفت: مدیران از ما فقط کار می‌خواهند و در مقابل اعتراض‌ها، می‌گویند همین است که می‌بینید، بیشتر از این نداریم که بدهیم. کارگر دیگری می‌گوید که هر بار که به دلیل تبعیض در پرداخت مزایا، به مدیران اعتراض می‌کنم، مدیریت می‌گوید که نظیر این مدیران را نمی‌توانم پیدا کنم، به همین خاطر هر چه به آنان پرداخت کنم، حقشان است. بنابراین گزارش، کارگران معترض اظهار داشتند که مدیریت وعده داده بود که پاداش و بهره‌وری به کارگران پرداخت خواهد شد، اما حالا که ۶ ماه از سال سپری می‌شود، مدیریت به وعده‌های خود عمل نکرده و در پاسخ به کارگران می‌گوید که دیگرگاهی در کاهدان نمانده است. کارگران معترض تاکید کردند که چنانچه ظرف ۴۸ ساعت آینده به خواسته‌هایشان توجه نشود، اقدام به توقف خط تولید خواهند کرد.

آنان گفتند که کارگران در سلامت کامل به استخدام کارخانه در می‌آیند، اما بعد از مدتی که دچار بیماریهای دشواری مثل دیسک کمر، گردن و واریس می‌شوند، با مبالغه‌آمیزی بازخرید و تا آخر عمر به دلیل بیماری، خانه نشین می‌شوند.

اجرای عدالت و رفع تبعیض ، درخواست کارگران لاستیک "بارز" است اعتصاب غذا همچنان ادامه دارد

- در پی اعتراض کارگران کارخانه لاستیک "بارز" کرمان (درظهر روز یکشنبه ۸۴/۷/۱۰) ، کارگران معترض با تجمع در محیط کارخانه ، ضمن اعتراض به عملکرد مدیریت ، در ادامه اعتصاب غذا ، بیانیه‌ای را جهت رفع مشکلات موجود در ۱۳ بند صادر کردند .
 - به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا ، در این بیانیه ۱۳ بندی موادی به شرح ذیل منعکس شد :
 - ۱- یکسان شدن پاداش ماهیانه برای کلیه پرسنل کارخانه "مدیر عامل - مدیران - کارگران"
 - ۲- افزایش مزایا بر اساس آلودگی محیط ، دوری راه ، ساعت کار
 - ۳- یکسال شدن تسهیلات اعطایی ، شامل سفرهای سیاحتی و تفریحی ، پاداش پایان سال
 - ۴- درج آیین نامه داخلی مجتمع در تابلو اعلانات همراه با بخشنامه های داخلی و ارسال از اداره کار و تامین اجتماعی
 - ۵- داشتن امنیت شغلی
 - ۶- افزایش و اصلاح وام مسکن و پیگیری زمینهای تعاونی مسکن
 - ۷- اصلاح سختی کار و حق فنی و درج در حکم
 - ۸- مشخص شدن و اجرای هر چه سریعتر چارت سازمانی
 - ۹- تعیین تکلیف آپارتمانهای شهرک ایران منش
 - ۱۰- اعطای حداقل ۷۰ درصد پاداش ماهیانه به طور مستمر طبق ضوابط اعلام شده به کارکنان و مابقی بر اساس کارایی افراد با نظر مدیران مربوطه
 - ۱۱- حق ادامه تحصیل پرسنل و پرداخت مزایای مربوطه
 - ۱۲- حذف هزینه هایی که ربطی به کارخانه ندارد ، از جمله مهمانیهای مدیران و مسوولان استانی و پرداخت کادو به آنها ، قطع پرداخت هزینه به تیمهای ورزشی خارج از مجتمع
 - ۱۳- پرداخت بهره وری سالیانه به پرسنل زحمت کش کارخانه که توسط کارگران تنظیم شده به مسوول حراست ارایه کرده بودند .
- در این تجمع ، مسوول حراست کارخانه از کارگران در خواست کرد تعدادی نماینده به مدیریت معرفی کنند که در این خصوص قرار شد ۵۰ نفر نماینده با کلیه پرسنل ، راس ساعت ۱۳ بعد از ظهر دوشنبه ۸۴/۷/۱۱ در سالن اجتماعات شرکت طی جلسه‌ای مشکلات موجود را به مدیر عامل کارخانه مهندس "عباسی ابیانه" گزارش دهند .

کارکنان " سازمان توسعه راههای ایران " ۱۰ مهر تجمع می کنند

نمایندگان کارکنان سازمان توسعه راههای ایران با ارسال نامه ای به رئیس جمهور، خواستار رسیدگی فوری به تخلفات و سوء استفاده های مدیر عامل این سازمان شدند .

به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا، در این نامه آمده است: کارکنان سازمان توسعه راههای ایران وابسته به وزارت راه و ترابری از اسفندماه ۸۳ با مدارک معتبر از وزیر راه ، مقامات ارشد وزارت راه ، مجلس شورای اسلامی و بازرسی کل کشور و وزارت اطلاعات خواستار رسیدگی به تخلفات سوء مدیریت و سوء استفاده مدیر عامل کنونی سازمان از موقعیت و امکانات سازمانی و شغلی بودند .

کارکنان ناراضی با تاکید بر اینکه تا کنون ۲ تجمع اعتراضی آنها بی پاسخ مانده است، در خاتمه خاطر نشان کردند: در صورتی که این نامه نیز همانند نامه‌های قبلی در پیچ و خم اداری متوقف شود، در تاریخ ۸۴/۷/۱۰ درمقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کرده و از ۸۴/۷/۱۱ نیز مانع از ورود مدیر عامل خاطی به داخل سازمان می شوند

اطلاعیه انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه در باره اخراج کارگران پتروشیمی بیستون

دست درازی و یورش به زندگی زیر فقر کارگران از سوی سرمایه داران و کارفرماهایشان روزبروز ابعاد گسترده تری به خود میگرد، این تهاجم گسترده نیازمند اعتراض و مبارزه ای وسیعتر و متحدانه تر از جانب طبقه کارگر است که اجازه ندهد سرمایه داری به راحتی بنا به اقتضای شرایط برای کسب سود بیشتر عناوین به تراشد و به وضعیت سخت کنونی زندگی کارگران باز هم بیشتر تعرض کند.

روز اول مهر ۸۴ پتروشیمی بیستون به بهانه تعویض پیمانکار و بهینه سازی نیروی کار اقدام به اخراج بیش از نیمی از کارگران (حدود ۴۰ نفر) و ارباب بقیه کارگران به منظور امضا قرارداد یک ماهه و سفیدامضا کرده است در حالیکه این کارگران قبلا قرارداد یک ساله داشته اند.

ما این اقدام ضد کارگری را محکوم می کنیم و از تشکلهای کارگری و همه کارگران می خواهیم اعتراض خود را به بیکارسازی کارگران و تحمیل قرارداد یک ماهه بر بقیه را اعلام دارند و خواهان بازگشت به کار فوری کارگران اخراجی شوند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه ۱۳۸۴/۷/۵

رویدادهای جنبش کارگران و مزدبگیران در شهریور ماه

زینت میرهاشمی

اجرای سیاست خصوصی سازی و تعدیل نیرو در واحدهای تولیدی، ناامنی شغلی، بیکاری، رواج قراردادهای کوتاه مدت و پیمانی حتی به مدت یک ماه، خارج شدن واحدهای تولیدی زیر ۱۰ نفر از قانون کار، عدم برخورداری کارگران قراردادی از بیمه بیکاری از جمله مواردیست که کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی را تهدید می کند.

سیاست خصوصی سازی که سپردن مالکیت به دست نورچشمی ها و آقازاده ها است عملا واحدهای تولیدی را دچار بحران و رکود و در بسیاری از موارد به تعطیلی و بیکار شدن کارگران کشانیده است.

ناامنی کار، اخراج، لغو قراردادهای کاری کارگران با سابقه طولانی و جایگزینی قراردادهای کوتاه مدت، عدم پرداخت حقوق، بحران و رکود در واحدهای تولیدی، شرایط کار و معیشت کارگران و مزدبگیران را بسیار سخت کرده است. بیکاری و فقر بازتاب سیاستهای ضد کارگری و فقدان عدالت اجتماعی که همواره زندگی کارگران و مزدبگیران را تهدید می کند است. اعتراض پیرامون موارد فوق، در ماه

گذشته همچنان جریان داشته است.

ادامه در صفحه آخر

« هفته همبستگی » کارگران ایران تنها نیستند!

در پی دستگیری‌ها و تهاجماتی که توسط رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بر علیه کارگران ایران صورت می‌گیرد و به منظور حمایت از کارگران ایران در سطح بین‌المللی در مقابل این تهاجمات و برای تحقق مطالبات کارگران مثل حق تشکل مستقل و اعتصاب، آزادی دستگیرشدگان کردستان، همه زندانیان سیاسی و... یک هفته کارگری توسط فعالین و علاقمندان جنبش کارگری در سطح بین‌المللی بر گزار می‌شود.

کمیته هماهنگی هفته همبستگی با جنبش کارگری ایران در استکهلم، اقدام به برگزاری یک شب همبستگی با جنبش کارگری ایران و یک تظاهرات ایستاده می‌نماید. از همه مدافعان و دوستان جنبش کارگری دعوت می‌کنیم با شرکت در این مراسم و هر اقدامی که خود صلاح می‌دانند حمایت خود را از میلیون‌ها کارگر در ایران اعلام کنند و نگذارند تهاجم به کارگران در پس دیوار سانسور و منافع سرمایه و رژیم حامی سرمایه پنهان بماند.

ما علاوه بر تماس تنگاتنگ با تشکل‌های کارگری و جریان‌ات چپ سوئد، جلب پشتیبانی آن‌ها از جنبش کارگران ایران و مطالبات آن‌ها، در هفته همبستگی نیز اقدامات زیر را انجام خواهیم داد:

روز شنبه اول اکتبر ساعت ۷ غروب در «شیستا ترف» شب همبستگی با کارگران ایران در همکاری با فعالین جنبش کارگری و چپ سوئد و سایر ملیت‌ها.

روز شنبه ۸ اکتبر ساعت ۲ میدان سرگل تظاهراتی ایستاده در اعتراض به سرکوب جنبش کارگری ایران و خواست تحقق مطالبات آن‌ها.

لازم به ذکر است که هرگونه اقدامی در این رابطه از جمله اقدامات کمیته هماهنگی هفته همبستگی با جنبش کارگری ایران در استکهلم، مستقل از سایر فعالین در این هفته صورت می‌گیرد و مسئولیت تصمیم‌گیری و چگونگی فعالیت با خود نیروهایی است و مرکزی واحد برای سازماندهی این هفته بطور سراسری وجود ندارد. هر شهر و کشورس مؤافعان جنبش کارگری به طور مستقل، اما زمان واحد یعنی هفته اول اکتبر زمان مشترک این فعالیت‌های سراسری است. امید است این شیوه کار بتواند تمرکز روی جنبش کارگری را آسان‌تر نماید و حرکت عملی توام با نقد نظرات، محورهای مشترک فعالیت‌ها را انکشاف داده و نیروهای نزدیک‌تر را به هم مرتبط کند، در عین حال که مانع می‌شود تا گرایش‌ات مختلف با هم تداعی شوند.

زنده باد همبستگی کارگری

زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته هماهنگی هفته همبستگی با جنبش کارگری ایران استکهلم

۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵



در دفاع از مطالبات کارگران، ۱۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند تبریز، با امضای نامه فراخوان «کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران» حمایت خود را از تشکلهای آزاد و مستقل کارگری اعلام داشتند. این نامه خطاب به وزارت کار و امور اجتماعی، سازمانهای کارگری در سراسر جهان، سازمان بین المللی کار نوشته شده است. در قسمت پایانی این نامه چنین آمده است: «ما امضاکنندگان زیر خواهان به رسمیت شناختن آزادی ایجاد تشکلهای مستقل کارگری هستیم. در این راستا ضمن درخواست از وزارت کار و امور اجتماعی جهت رفع موانع تشکلی یابی کارگران و به رسمیت شناختن نمایندگان مستقل کارگران جهت حضور در تمامی نشستهای مربوط به تدوین قوانین مرتبط با کار از سازمانهای کارگری نیز در سراسر جهان می خواهیم تا از خواستهای برحق کارگران ایران حمایت نمایند. همچنین از همکاران خود در این سازمانها و سایر مجامع بین المللی کارگری می خواهیم تا از سازمان جهانی کار بخواهند که به رسمیت شناسی و نظارت به امضای هر گونه تفاهم نامه مربوط به قوانین کارگری در ایران را، منوط به حضور نماینده های مستقل کارگران (از طریق تصمیمات جمعی کارگران) و استفاده از ابزارهای لازم جهت نظارت بر این انتخابات، بنمایند.»

یکی دیگر از مسائل همیشگی در جنبش کارگری تبعیض جنسی است. زنان کارگر علاوه بر تبعیض دستمزد، با تبعیض جنسی برای کاریابی روبرو هستند. تمامی قوانین موجود در جمهوری اسلامی این تبعیض را هر چه دیرینه تر کرده است. خبرگزاری ایلنا شنبه ۱۹ شهریور با اشاره به آماری که توسط مرکز مشارکت امور زنان ارائه شده گزارش می کند که: «سهم زنان در کل اشتغال کشور در ۴۰ سال گذشته، ۱۰ درصد بود و فقط ۱۲ درصد زنان جمیت فعال اقتصادی را شامل می شوند، یعنی سهم زنان از تعداد بیکاران کشور دو برابر سهم آنها از کل اجتماع است.»

اطلاعیه

درباره

کلاس های آموزشی محسن حکیمی

موضوع: بازخوانی رویکرد چپ به جنبش کارگری

زمان: دوشنبه های شهریور ۱۳۸۴، ساعت ۶ تا ۸ بعدازظهر

مکان: دانشگاه تهران، دانشکده علوم